



پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی
دانشگاه باقر العلوم

عنوان:

وجود شناسی جامعه

و بازتاب آن در دیدگاه‌های مختلف جامعه شناختی

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر علیرضا شجاعی زند

نگارش و پژوهش:

فاطمه شاکرین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

تقدیم به پیشگاه قطب عالم امکان حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف). به امید روزی که بیاید و به یمن قدمش، علم دینی در سراسر عالم پرتو گسترد.

تقدیر

ستایش تنها از آن پروردگار مهربان است. خداوند منان را شاکرم که مرا در انجام این پژوهش پرمشکل مدد نمود. امید است این تلاش ناچیز را به شایستگی قبول فرماید.

بر خود لازم می دانم از همه کسانی که این جانب را رهین منت خود نموده و مرا در انجام این تحقیق مدد رسانده اند، نهایت سپاس و امتنان قلبی خود را ابراز دارم.

نخست از جناب حجت اسلام دکتر پارسانیا، استاد محترم راهنما و جناب آقای دکتر شجاعی زند، استاد محترم مشاور، تشکر می کنم که با نظرات و راهگشایی های ارزنده خویش، راه بهتر شدن این پایان نامه را فراهم نمودند. همچنین از پدر بزرگوارم و جناب آقای کرم الهی، سپاس بی کران دارم.

در آخر از همه اساتید گرامی و دیگر کسانی که مرا در راه کسب علم و دانش یاری نموده اند، بویژه مادر گرامی ام، سپاس گزارم.

و من الله التوفیق

چکیده

آیا جامعه اصیل است و وجود حقیقی و مستقل دارد؟ در این باره نظرات مختلفی وجود دارد. فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان، بیش از دیگران به بحث و نظر پرداخته اند. آنان همواره کوشیده اند مسأله را از منظر قرآن باز گویند.

علامه طباطبایی، جامعه را دارای عینیت، شخصیت مستقل و وحدت حقیقی می دانند. در نظر ایشان، جامعه با تفکر اجتماعی محقق شده، بر فرد غالب می شود و از آنان سلب اراده و شعور می کند شهید مطهری به من فردی و من جمعی، معتقد هستند. ایشان جامعه را دارای وجود حقیقی، مرگ و حیات، قوانین حقیقی مستقل و روح واحدی می دانند که در افراد حلول کرده و من جمعی آن ها است. وی در عین حال برای فرد، فطرت، اختیار، آزادی، اراده و قدرت عصیان در برابر جامعه را نیز قبول دارد.

شهید صدر جامعه را دارای حیات و ممات، نامه عمل و قانون حقیقی می داند، اما وجودش را اعتباری کلی و مجموعی دانسته و منکر وجود مستقل آن است.

استاد مصباح جامعه را امری اعتباری و دارای وحدت ماهوی می داند. او اما، برای آن منشاء انتزاع واقعی قایل است و از همین رو آن را دارای قانون حقیقی می داند.

آیت الله جوادی، وجود اعتباری را مرتبه نازلی از وجود حقیقی می داند و این مرتبه از وجود را برای جامعه، قطعی انگاشته اند. ایشان، نسبت به مرتبه وجودی فراتر از آن که مطابق با نظریه اصالت جامعه باشد، نظر صریحی ندارند.

بنابراین بحث میان اینان چنین سیری را دنبال کرده است:

فردگرایی ناب ← سکوت ← جمع گرایی شدید ← جمع گرایی معتدل ← نیمه فرد گرایی ←

در میان جامعه شناسان، دورکیم با طرح وجدان جمعی غیر از وجدان فردی، گویا ترین توصیف و تبیین را درباره هویت خاص جامعه مطرح کرده است. وی جامعه را مقدم بر تولد فرد، باقی پس از مرگ وی، محدود کننده او و غالب بر وی می داند. و بر اما، فرد را تنها واقعیت دانسته و جامعه را پیامد تعامل افراد می داند. هم اکنون در جامعه شناسی، بیشتر گرایش به تلفیق خرد و کلان وجود دارد. مفاهیم کلیدی: فرد، جامعه، وجود حقیقی، اصالت، وحدت، ترکیب.

فهرست مطالب

ج	تقدیم:
د	تقدیر
ه	چکیده
أ	فهرست مطالب
1	فصل اول:
1	کلیات
2	تبیین موضوع
4	اهمیت و ضرورت پژوهش
5	سابقه پژوهش
7	سؤال اصلی پژوهش
7	فرضیه پژوهش
7	سؤالات فرعی پژوهش
8	اهداف پژوهش
8	روش پژوهش
8	محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش
10	سازمان دهی پژوهش
11	فصل دوم:
11	چارچوب مفهومی

12	<u>درآمد</u>
12	<u>مفهوم شناسی</u>
12	<u>حقیقی</u>
12	<u>جامعه</u>
14	- <u>تعریف کِلِر:</u>
14	- <u>تعریف گینسبرگ:</u>
14	- <u>تعریف لینتن:</u>
15	- <u>تعریف علامه طباطبایی</u>
15	- <u>تعریف شهید مطهری</u>
16	- <u>تعریف استاد مصباح</u>
16	<u>حقیقت جامعه</u>
17	<u>قرآن و جامعه</u>
18	<u>1. قوم</u>
18	<u>2. ناس</u>
18	<u>3. امت</u>
20	<u>4. قریه</u>
20	<u>5. اناس</u>
21	<u>وحدت</u>
22	<u>اتحاد</u>
23	<u>ترکیب</u>
23	<u>ترکیب حقیقی</u>

23	ترکیب اعتباری
24	اصالت
24	اصالت حقوقی
25	اصالت اجتماعی
25	اصالت فلسفی
26	پیشینه مسأله
26	درآمد
26	در اسلام
27	فارابی
27	نقد
28	خواجه نصیر الدین طوسی
29	نقد
30	ابن خلدون
31	در غرب
31	جامعه گرایان
33	فردگرایان
Error! Bookmark not defined. فصل سوم:	
Error! Bookmark not defined. دیدگاه علامه طباطبایی	
Error! Bookmark not defined. یاد کرد	
Error! Bookmark not defined. مدخل	
Error! Bookmark not defined. وحدت حقیقی جامعه	
Error! Bookmark not defined. شخصیت مستقل جامعه	

Error! Bookmark not defined.....	<u>تفکر اجتماعی و شخصیت جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>قرآن و حیات مستقل جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>جبر اجتماعی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>الف. غلبه قوای فاعله جامعه :</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>ب. پیروزی قوای منفعله جامعه:</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>راز اهتمام اسلام به اجتماع</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>چکیده دیدگاه علامه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>بررسی و ارزیابی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>امتیازات</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>اشکالات</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>1. ابهام</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>2. استلزام جبر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>3. تهافت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>4. ناسازگاری واقعیت و مدعا</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5. نقد استنادات نقلی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5-1. ظنی بودن ظواهر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5-2. امت و حیوانات</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5-3. استناد جمعی و جامعه اندیشی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>6. نقد براهین عقلی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>رد نقد براهین</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>فصل چهارم :</u>

- Error! Bookmark not defined.....[دیدگاه شهید مطهری](#)
- Error! Bookmark not defined.....[یاد کرد](#)
- Error! Bookmark not defined.....[مدخل](#)
- Error! Bookmark not defined.....[طرح دیدگاه‌ها](#)
- Error! Bookmark not defined.....[الف\) ترکیب اعتباری جامعه؛](#)
- Error! Bookmark not defined.....[ب\) ترکیب حقیقی صناعی جامعه؛](#)
- Error! Bookmark not defined.....[ج\) ترکیب حقیقی طبیعی جامعه؛](#)
- Error! Bookmark not defined.....[د\) ترکیب حقیقی فرا طبیعی جامعه؛](#)
- Error! Bookmark not defined.....[گزینه شهید مطهری](#)
- Error! Bookmark not defined.....[جبر یا اختیار](#)
- Error! Bookmark not defined.....[راز جبر گرایی](#)
- Error! Bookmark not defined.....[راه حل](#)
- Error! Bookmark not defined.....[براهین ترکیب حقیقی طبیعی جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined.....[1. اسناد عصیان به امت](#)
- Error! Bookmark not defined.....[گونه های اسناد عمل به جمع](#)
- Error! Bookmark not defined.....[2- اجل امت](#)
- Error! Bookmark not defined.....[3- کتاب امت](#)
- Error! Bookmark not defined.....[4- فرهنگ امت](#)
- Error! Bookmark not defined.....[5- کیفر امت](#)
- Error! Bookmark not defined.....[6- انتساب عمل فرد به جمع](#)
- Error! Bookmark not defined.....[7- انتساب عمل نسلی به نسل دیگر](#)

8. اولویت پیامبر(ص)..... Error! Bookmark not defined.
9. امر به معروف و نهی از منکر..... Error! Bookmark not defined.
10. دلیل روایی..... Error! Bookmark not defined.
- بررسی و ارزیابی..... Error! Bookmark not defined.
- الف. امتیازات..... Error! Bookmark not defined.
- ب. اشکالات..... Error! Bookmark not defined.
1. فقدان دلیل عقلی..... Error! Bookmark not defined.
2. عدم جامعیت..... Error! Bookmark not defined.
3. نارسایی در تبیین..... Error! Bookmark not defined.
4. تهافت..... Error! Bookmark not defined.
5. استشهادات نارسا..... Error! Bookmark not defined.
6. نقد مدعا..... Error! Bookmark not defined.
- رد نقد..... Error! Bookmark not defined.
- نظر..... Error! Bookmark not defined.
7. نقد براهین قرآنی..... Error! Bookmark not defined.
- الف. نقد کلی..... Error! Bookmark not defined.
- نظر..... Error! Bookmark not defined.
- ب. نقدهای جزئی..... Error! Bookmark not defined.
1. نقد مفهوم شناختی..... Error! Bookmark not defined.
2. اسناد عمل به امت..... Error! Bookmark not defined.
- رد نقد..... Error! Bookmark not defined.
- نظر..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.....	<u>نظر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>3- اجل امت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>4- کتاب امت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>5- فرهنگ امت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>6- کیفر امت</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>7- انتساب عمل فرد به جمع</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>نظر</u>
Error! Bookmark not defined... ..	<u>8. اسناد عمل نسلی به نسل دیگر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>9. احکام اجتماعی اسلام</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>10. نقد دلیل روایی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>فصل پنجم:</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>دیدگاه شهید صدر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>یاد کرد</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>مدخل</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>نفی وجود جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>عمل فرد و عمل جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>قرآن و عمل فرد و جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>قرآن و فراخوان فرد و جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>عدم تلازم دو کنش و استقلال جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>قرآن و قانونمندی جامعه</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>1. اجل امت</u>

- Error! Bookmark not defined.....[2. مکافات](#)
- Error! Bookmark not defined.....[موضوع قوانین جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined.....[بررسی و ارزیابی](#)
- Error! Bookmark not defined.....[1. ابهام گونه شناختی](#)
- Error! Bookmark not defined.....[2. تهافت](#)
- Error! Bookmark not defined.....[فصل ششم:](#)
- Error! Bookmark not defined.....[دیدگاه استاد مصباح](#)
- Error! Bookmark not defined.....[یاد کرد](#)
- Error! Bookmark not defined.....[مدخل](#)
- Error! Bookmark not defined.....[تبيين اصالت فرد](#)
- Error! Bookmark not defined.....[اصالت فرد و قانون مندی جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined.....[یک. مفهوم قانون](#)
- Error! Bookmark not defined.....[دو. عدم تلازم قانون مندی و اصالت جامعه](#)
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.....[سه. قانونمندی جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined.....[نفي براهين جامعه گرايان](#)
- Error![1. نفي تلازم استقلال سياسي و وجود حقيقي جامعه](#)
- Bookmark not defined.**
- Error! Bookmark not defined.....[2. نفي وحدت حقيقي ارواح و احساسات](#)
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.....[3. اثر مجموعه و ترکیب حقیقی](#)
- Error! Bookmark not defined.....[4. علیّت و معلولیت و ترکیب حقیقی](#)
- defined.**

- Error! Bookmark not defined..... [5. تاثیر متقابل و ترکیب حقیقی](#)
- Error! Bookmark not defined..... [6. نقد براهین قرآنی](#)
- Error! Bookmark not defined..... [نتیجه:](#)
- Error! Bookmark not defined..... [بررسی و ارزیابی](#)
- Error! Bookmark not defined..... [الف. امتیازات](#)
- Error! Bookmark not defined..... [ب. اشکالات](#)
- Error! Bookmark not defined..... [فصل هفتم :](#)
- Error! Bookmark not defined..... [دیدگاه آیت الله جوادی آملی](#)
- Error! Bookmark not defined..... [یاد کرد](#)
- Error! Bookmark not defined..... [مدخل](#)
- Error! Bookmark not defined..... [ابتکار قرآن درباره جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined..... [نامه اعمال فرد و جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined..... [وجه تمایز نامه عمل فردی و اجتماعی](#)
- defined.**
- Error! Bookmark not defined..... [آثار جامعه تکوینی یا اعتباری](#)
- Error! Bookmark not defined..... [شاهدان امت](#)
- Error! Bookmark not defined..... [قرآن و وجود حقیقی جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined..... [روایات و حقیقی بودن جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined..... [اصالت فرد یا جامعه](#)
- Error! Bookmark not defined..... [1. گونه شناسی مسأله](#)
- Error! Bookmark not defined..... [2. مبانی روش شناختی](#)
- Error! Bookmark not defined..... [3. مبانی هستی شناختی](#)

Error! وجود عینی جامعه بنا بر وجود خارجی کثرت عددی

Bookmark not defined.

Error! دشواری اثبات وجود جامعه بنا بر لزوم وحدت صورت نوعی

Bookmark not defined.

Error! وجود عینی جامعه بر مبنای نفی ماده و صورت ارسطویی

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined..... 4. مبانی انسانشناختی

Error! **Bookmark not** الف. هویت انسانی فرد بدون جامعه

defined.

Error! Bookmark not defined..... ب. اصالت جامعه و هویت فرد

Error! **Bookmark not** ج. پیوند ارواح جامعه در وجود عقلی

defined.

Error! Bookmark not defined..... 5. مبانی فرجام شناختی

Error! Bookmark not defined..... 6. مبانی امام شناختی

Error! **Bookmark not** الف. امام معصوم (ع) از محکمت جامعه

defined.

Error! **Bookmark not** ب. امامت و ولایت، عامل تحقق عینی جامعه

defined.

Error! Bookmark not defined..... برآیند حقوقی اصالت فرد و جامعه

Error! Bookmark not defined..... خلاصه

Error! Bookmark not defined..... بررسی و ارزیابی

Error! Bookmark not defined..... امتیازات

Error! Bookmark not defined..... ملاحظات

Error! Bookmark not defined..... فصل هشتم:

Error! Bookmark not defined..... نیم نگاهی به دیدگاه

Error! Bookmark not defined.....	<u>جامعه شناسان</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>درآمد</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>جمع گرایی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- دورکیم</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- ساختارگرایی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>فردگرایی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- وبر</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- کنش متقابل نمادین</u>
Error!	<u>- جامعه شناسی پدیده شناختی و روش شناسی مردم نگارانه</u>
Bookmark not defined.	
Error! Bookmark not defined.....	<u>- تبادل</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- انتخاب عقلانی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>تلفیقی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- پارسنز</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- گیدنز</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- بوردیو</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>- نظریه انتقادی</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>فصل نهم:</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>مقایسه و نتیجه گیری</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>فهرست منابع</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>فهرست منابع</u>
Error! Bookmark not defined.....	<u>الف - منابع فارسی</u>

Error! Bookmark not defined.....[1- کتب](#)

Error! Bookmark not defined.....[2- مقالات](#)

Error! Bookmark not defined.....[ب - منابع عربی](#)

فصل اول:

کلیات

تبیین موضوع

هر علمی دارای موضوعی است که احوال و عوارض آن را می‌کاود؛ ولی در پی اثبات آن موضوع نیست؛ بلکه آن را به صورت پیش فرض می‌پذیرد و دانش فلسفه، آن را اثبات می‌کند.

موضوع علم جامعه‌شناسی، جامعه است و همچون هر دانش دیگری، فلسفه عهده‌دار بحث از هستی‌شناسی آن است. اینکه آیا جامعه وجود دارد؟ اگر وجود دارد چگونه وجودی است؟ حقیقی است یا اعتباری؟ وجودی یگانه و هویتی مستقل دارد یا نه؟ مرکب است یا غیر مرکب؟ چه چیزی، اجزاء جامعه را تشکیل می‌دهند؟ جامعه همان جمع افراد است یا غیر آن؟ فرد در جامعه چه جایگاهی دارد؟ اصالت با فرد است یا جامعه یا هر دو؟ و ...

این‌ها سؤالاتی فلسفی است که در پیرامون هست و نیست و چند و چون جامعه، وجود دارد و جامعه‌شناسی توان پاسخ‌گویی به آن‌ها را ندارد.

جامعه‌شناسان؛ اما به این مساله نه تنها اعتراف نکرده، که بی‌توجهی نشان داده و اهمیت آن را انکار نموده‌اند. علت این امر، مرگ متافیزیک و رویکرد کلی پشت پا زدن به فلسفه و روش‌های غیر تجربی، در مغرب زمین بعد از رنسانس است. پر واضح است این بی‌اعتنایی، تأثیر پیش فرض فلسفی پیرامون جامعه، بر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی را از بین نمی‌برد. از این رو، برخی از اندیشمندان، بدان پرداخته‌اند.

جامعه‌شناسی برای این که بتواند به عنوان یک علم، عرض اندام کند، در پی اثبات وجود موضوع خود بر آمد. بدین سان با آغاز پیدایش زمینه‌های جامعه‌شناختی، بحث از اصالت جامعه به گونه‌ای صریح مطرح شد. این مساله، موافقان و مخالفانی در میان اندیشمندان

غربی داشت.

در میان جامعه شناسان، دورکیم، بنیان گذار جامعه شناسی، با وجود انکار فلسفه، بدین موضوع توجه داشت. وی با شواهد تجربی، در صدد اثبات وجود حقیقی جامعه بر آمد. دیگر جامعه شناسان، کم‌تر بدین مساله پرداخته‌اند؛ بدین سان، بحث از چیستی و هستی جامعه، به مرور رو به افول نهاد و مورد غفلت قرار گرفت؛ البته بازتابها و آثار آن، هم چنان وجود داشته و دارد.

به رغم خلأ بحث‌های عقلی در مغرب زمین، مسلمانان با پشتوانه قوی فلسفی، ظرفیت بیش‌تری برای طرح این مساله دارند؛ هر چند که در میان آنان نیز، تعداد اندکی بحث مستقل و صریحی دارند. مباحث آنان نیز خالی از نقص و ابهام نیست؛ ولی به هر روی به مراتب بیش از آنی است که غریبان مطرح نموده‌اند.

پژوهش پیش رو، در پی بررسی آرای مربوط به شناخت وجود جامعه است؛ از این رو سعی داشته، دیدگاه عمده صاحب نظران برجسته‌ای که مستقیماً در این باره نظر داده‌اند را پوشش دهد؛ اما در این زمینه نکاتی چند وجود دارد:

نخست: موضوع این بحث، بینا رشته‌ای و در حوزه فلسفه علوم اجتماعی است. بر این اساس، بیش‌تر فیلسوفان اجتماعی، پیرامونش سخن رانده‌اند. از میان آنان، مسلمانان به علت اهتمام به روش عقلی بیش از غریبان بحث و بررسی کرده‌اند.

دوم: یک پایان نامه ظرفیت طرح دیدگاه همه صاحب نظران را ندارد. افزون بر این، همه آنان، نظر فلسفی صریح و خاص و قابل توجهی نیز مطرح نکرده‌اند.

سوم: نگارنده بیش‌تر دغدغه طرح دیدگاه عالمان دینی را داشته است تا بدین شکل، در حد امکان نظر اسلام کشف شده یا به آن نزدیکتر شویم و بدینسان یکی از شالوده‌های علم دینی، پی ریزی شود.

بنابراین، حجم گسترده‌ای از این تحقیق به بیان تفصیلی نظر فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان، که عالم دینی نیز هستند و بیش از دیگران بحث صریح و مشخصی دارند، اختصاص

یافته است. اینان عبارتند از: علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر، استاد مصباح و آیت الله جوادی آملی.

ذکر این نکته بایسته است که، این فیلسوفان اجتماعی و عالمان دینی، در به کار بردن روش عقلی و نقلی، اتفاق دارند. آنان به عنوان یک فیلسوف، موضوع فلسفی وجود جامعه را دنبال کرده‌اند، اما به عنوان عالمان دینی، در صدد بیان نظر دین بر آمده، و هر یک دیدگاه خویش را به قرآن منسوب کرده‌اند.

شایان توجه است که بیان نظر قرآن، فلسفی بودن بحث را مخدوش نمی‌کند؛ زیرا مطالعات قرآنی با مباحث فلسفی بی‌ارتباط نیست. نخست بدین سبب که بعضی مسایل ذاتاً فلسفی‌اند، دوم بدین جهت که تبیین بسیاری از مطالب این کتاب شریف، بر مباحث فلسفی متوقف است؛ هر چند که خود آن مطالب، ماهیت فلسفی نداشته باشد.¹

در این پژوهش به بیان، نقد و بررسی تفصیلی دیدگاه فیلسوفان اجتماعی مذکور، چه به روش عقلی و چه نقلی، پیرامون چگونگی وجود جامعه، می‌پردازیم. البته در حد پیشینه به دیدگاه برخی اندیشمندان غربی و حکما یا متفکرین اسلامی اشاره می‌رود. هم چنین بازتاب‌های این بحث در دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی، به طور مختصر، دنبال می‌شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

چنان که گذشت، هر علمی خواسته یا ناخواسته، ریشه در فلسفه دارد. جامعه‌شناسی نیز از فلسفه متأثر است. جامعه‌شناسان بدین مطلب اذعان و اهتمام نداشته و از همین رو چنان که شایسته و بایسته است، مباحث فلسفی مشبعی پیرامون وجود جامعه ارایه نشده است. این نقصان، تحقیق در این راستا را ضروری می‌نماید.

از دیگر سو، جامعه‌شناسی نوین، علمی غربی و ناسازگار با دین اسلام است. این مساله، دانشمندان دین‌گرا را به جستجوی علم دینی، واداشته است.

1. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ج 4، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، سازمان تبلیغات

پر واضح است که برای داشتن دانش اجتماعی دینی، نخست باید پایه‌های متافیزیکی آن را، طبق نظر اسلام، پی ریخت. برای این منظور باید با نظرات عالمان حوزوی، مفسران دین، آشنا شد.

چیستی و هستی جامعه، اولین بنیان و اصل موضوعی دانش اجتماعی و مؤثر بر آن است. بدین سان وجود شناسی جامعه برای پژوهش انتخاب گردید. این شناخت بیش تر بر فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان متمرکز گردید که بحث فلسفی صریح تر، مهم تر و دقیق تری دارند و ما را در کشف نظر دین، یاری می‌رسانند.

سابقه پژوهش

وجود شناسی جامعه و بازتاب آن در دیدگاه‌های مختلف جامعه شناختی، موضوعی بدیع و بی سابقه است. کم تر کسی به پژوهش در این حوزه‌ها علاقه دارد. نگارنده هیچ تک نگاری ای را در راستای موضوع حاضر نیافت.

این پژوهش شناخت هستی جامعه را با بیان نظرات فیلسوفان اجتماعی مسلمان پی می‌گیرد و سپس بازتاب‌های این بحث را در جامعه شناسی دنبال می‌کند. پیرامون هیچ یک از این دو قسمت نیز، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ ولی تحقیقاتی درباره برخی از این دانشمندان، وجود دارد که عبارتند از:

- «چیستی و هستی جامعه از دیدگاه استاد مطهری» از حجت الاسلام حمید پارسانیا؛
- «اصالت فرد یا جامعه؟ چالش فلاسفه» اثر آقای مصطفی خلیلی؛
- «اصالت فرد، جامعه یا هر دو، بررسی تطبیقی آرای استاد مطهری و استاد مصباح یزدی» نگاشته دکتر حسین سوزنچی.

مقالات مذکور هر چند گام‌های خوب و شایسته‌ای برداشته‌اند، اما از سویی به بررسی نظر یک یا چند تن از فیلسوفان اجتماعی معاصر پرداخته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر به بیان دیدگاه همه شخصیت‌های یاد شده پیشین می‌پردازد. از دیگر سو، نگاشته‌های فوق بازنمای نسبتاً ناقصی از نظر هر اندیشمند، هستند.

به نظر می‌رسد نویسندگان این آثار، به مطالعه همه نوشته‌های فیلسوف مورد بحث خویش نپرداخته‌اند؛ بدین سان، اثری بر جای گذاشته‌اند که همه دیدگاه اندیشمند مورد نظر را پوشش نمی‌دهد و گاه حاوی سخنان یا نقدهایی ناسخته و بی اساس است.

در این پژوهش برای بیان نظر فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان، در میان آثار آنان جست و جو کرده و بر آن بودیم که حد الامکان همه نگاه‌های ایشان پیرامون هستی جامعه را مطالعه و بررسی کنیم.

هر یک از این بزرگواران، مباحث خود در این باره را بیشتر در یک کتاب مطرح کرده‌اند؛ بر این اساس برای طرح نظر آنان، بیش‌تر از منابع زیر استفاده شده است:

- «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج 4، اثر علامه محمد حسین طباطبایی و ترجمه آن از آیه الله سید محمد باقر موسوی همدانی؛

- «جامعه و تاریخ»، اثر استاد شهید مرتضی مطهری؛

- «المدرسة القرآنية»، اثر شهید محمد باقر صدر و ترجمه آن تحت عنوان: «سنت‌های

اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن» از آقای حسین منوچهری؛

- «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن»، اثر استاد محمد تقی مصباح یزدی؛

- «جامعه در قرآن»، از آیت الله عبدالله جوادی آملی.

از میان این کتاب‌ها، کتاب استاد مصباح بیش از بقیه، مورد استفاده قرار گرفته است. علت این است که ایشان بیش از دیگران به بیان مباحث مقدماتی، مفاهیم و نقد پرداخته و بحث منظم‌تر و منسجم‌تری مطرح کرده‌اند.

شایان یاد است که نگاه‌ها و بحث‌های این صاحب نظران نیز، از اجمال و ابهام و نقص خالی نیست؛ این امر با نقد و بررسی نظرات آنان روشن خواهد شد.

همان گونه که گذشت، قسمت دوم موضوع، یعنی بازتاب مساله در جامعه شناسان نیز فاقد منبع مستقلى است. بنا بر این، به آثار خود دانشمند و یا کتاب‌هایی با موضوعات نظریه‌های جامعه شناسی یا فلسفه علوم اجتماعی مراجعه شد.

در این بین، پیرامون جامعه گرایی دورکیم، سخنان بسیاری وجود دارد ولی اکثر آن ها جامع و متقن و مستدل و فلسفی نیست. بر این اساس تکیه اصلی نگارنده بر آثار خود وی قرار گرفت، هر چند از نظرات دیگران نیز استفاده شده است.

از میان منابعی که برای طرح دیدگاه جامعه شناسان استفاده شده، دو اثر «نظریه اجتماعی کلاسیک» و «نظریه‌های مدرن در جامعه شناسی» (به ویژه دومی)، از این کرب (یا یان کرایب) بیش از همه کاربرد داشت. در میان کتاب‌هایی که نگارنده جست و جو و مطالعه کرده، وی تنها نویسنده‌ای است که حداقل نظرات برخی جامعه شناسان یا مکاتب جامعه شناختی، پیرامون وجود جامعه را دنبال کرده است؛ البته مختصر و تا حدی غیر فلسفی.

سؤال اصلی پژوهش

سؤال اصلی رساله حاضر چنین است: وجود جامعه، از منظر اندیشمندان چگونه است؟ آیا جامعه، وجودی اصیل، حقیقی و مستقل دارد یا وجودش اعتباری و جمع افراد است؟

فرضیه پژوهش

تحقیق پیش رو در پی شناخت وجود جامعه از راه توصیف و تحلیل دیدگاه‌های مختلف پیرامون آن (حقیقی یا اعتباری بودن جامعه / اصالت فرد یا جامعه یا هر دو) می‌باشد؛ بنا بر این فاقد فرضیه، اما دارای سؤال و هدف است.

سوالات فرعی پژوهش

سؤال‌های فرعی این مقال عبارتند از:

1. آیا برهانی بوجود حقیقی جامعه، وجود دارد؟
2. آیا میان چگونگی وجود جامعه و قوانین آن رابطه‌ای می‌توان یافت؟
3. چه رابطه‌ای میان وجود جامعه و جبر یا اختیار انسان، وجود دارد؟
4. بازتاب‌های وجود شناسی جامعه در میان جامعه شناسان چیست؟

اهداف پژوهش

این رساله تحقیقی بنیادی و دارای اهدافی علمی است. این پژوهش در صدد بیان و نقد نظرات عمده فیلسوفان اجتماعی و تا حدی جامعه‌شناسان، پیرامون چیستی و هستی جامعه، و شناخت چگونگی وجود آن، می‌باشد. این مساله از بنیادی‌ترین پیش فرض‌های جامعه‌شناسی است.

بنابراین، تحقیق حاضر با سخن درباره وجود جامعه، یکی از پرسش‌های کلیدی فلسفه علوم اجتماعی را پاسخ گفته و از مهم‌ترین بنیان جامعه‌شناسی سخن گفته و یکی از شالوده‌های علم اجتماعی دینی را پایه ریزی کرده است.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر کیفی، توصیفی و تحلیلی انتقادی است. کیفی است، زیرا آزمایشی تجربی و دارای داده‌های کمی نیست. توصیفی است، چون «گزارشی»¹ از نظرات دانشمندانی، پیرامون هستی جامعه، بیان می‌کند. تحلیلی انتقادی است، بدین جهت که به «ارزیابی»² و نقد و بررسی آن نظرات می‌پردازد.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است. بدین معنا که داده‌های تحقیق از راه مطالعه، «آثار مکتوب که معمولاً در کتاب‌خانه‌ها»³ یافت می‌شوند، فراهم شده‌اند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کیفی، و با استفاده از فکر و عقل و برهان می‌باشد.

محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش

تحقیق حاضر با محدودیت‌هایی رو به رو بوده و دارای مشکلاتی چند است:

1. جعفر نکونام، روش تحقیق کتاب‌خان‌های با تأکید بر علوم اسلامی، ج 1، قم: انتشارات اشراق دانشگاه قم، 1379.

ص 6.

2. همان.

3. همان، ص 2 و 3.

1. موضوع پژوهش موضوعی بدیع، نو، فلسفی، سنگین، پیچیده و گسترده است.
2. موضوع هم چنین، بینا رشته‌ای است. این مساله از سویی سبب می‌شود تخصص نگارنده و استادان نتواند کل پژوهش را در بر گیرد. و از دیگر سو، کمبود منابع را در پی دارد. کمی صاحب نظران و منابع، در حوزه دانش‌های بینا رشته‌ای مشکلی جدی است.
3. کمبود مباحث صریح پیرامون وجود جامعه، به خصوص میان جامعه شناسان، دیگر مشکل است. این امر سبب می‌شود که برای کشف نظر آنان، مجبور به مطالعه منابع بسیاری باشیم؛ در آخر هم نتوانیم با قاطعیت سخن قابل اعتنایی بگوییم.
4. کارهایی که در حواشی این موضوع انجام شده‌اند، اغلب ضعیف هستند.
5. منابع دست اول نیز، تا حدودی مجمل، مبهم، فاقد نظم جامعیت و انسجام، پیچیده و دارای تناقض درونی هستند. مساله آن جا پیچیده‌تر می‌شود که برخی از این کتاب‌ها توسط شخص دیگری تنظیم و نگارش یافته‌اند.
6. مشکل دیگر این که هستی جامعه در میان جامعه شناسان، با واژه‌های گوناگونی بازتاب یافته است. این مساله کشف دیدگاه آنان را سخت می‌کند. به عنوان نمونه گاه لفظ اصالت یا جمع گرایی به کار رفته در حالتی که اصالت حقوقی یا اجتماعی مراد است نه اصالت فلسفی. و یا از جمع گرایی و فردگرایی سخن به میان آمده، ولی بحث روش شناختی و شناخت شناسی یا ارزشی و اخلاقی است. نمونه دیگر این که به جای لفظ جامعه، کلان و یا در سده‌های اخیر، ساختار (نمودهای جمع گرایی‌اند) به کار رفته است.
7. وجود مطالب متهافت و ناهمخوان و ناگفته نهادن پاره ای از زوایای مسأله، گاه کشف و تبیین دیدگاه جامع یک صاحب نظر را مشکل می‌سازد.
8. کاربست ادبیات متفاوت نیز در مواردی مقایسه و تطبیق دیدگاه‌ها را دشوار می‌سازد.

به هر روی خداوند متعال را شکر که این تحقیق به سرانجام رسید. امید است، توانسته باشد بر محدودیت‌ها فایق آمده و در راستای شناخت وجود جامعه، گامی به جلو بردارد. باشد

که دیگر پژوهش گران، گام‌های بعدی را بهتر و محکم‌تر بر دارند.

سازمان دهی پژوهش

فصل نخست، با کنکاش زوایا و مقدمات موضوع، این جا به پایان می‌رسد. فصل دوم با عنوان چارچوب مفهومی، نخست به شفاف سازی مفاهیم اساسی بحث می‌پردازد، و سپس، سابقه آن را میان اندیشمندان گذشته، چه در اسلام چه غرب، ردیابی می‌کند.

فصل‌های سوم تا هفتم، دیدگاه‌های هر یک از فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان، پیرامون هستی جامعه را شرح داده و نقد می‌کند. بیان و بررسی هر یک از این اندیشمندان در فصلی مستقل و به ترتیب زیر مطرح می‌شود: علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر، استاد مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی. نگارنده سعی داشته با ترتیب مذکور، به نوعی هم سیر تطور بحث‌ها را پوشش دهد، وهم نظرات مشابه را پشت سر هم بیاورد.

پس از گزارش و تحلیل نظرات فیلسوفان مسلمان، فصل هشتم به بیان دیدگاه جامعه شناسان و پیگیری بازتاب‌های موضوع، در نگاه‌های آنان، می‌پردازد.

در آخر، فصل نهم با مقایسه، جمع بندی و نتیجه گیری، پژوهش را به پایان می‌رساند.

فصل دوم:

چارچوب مفهومی

درآمد

پایان نامه حاضر، موضوعی توصیفی تحلیلی است نه تبیینی آزمایشی. از این رو فاقد فرضیه و چارچوب نظری و دارای چارچوب مفهومی است. چارچوب مفهومی عهده‌دار بیان مبادی تصویری موضوع است. از این رو در این قسمت به تعریف مفاهیم اساسی به کار رفته در پژوهش می‌پردازیم. سپس به سابقه پرداختن به مسأله اصلی تحقیق در میان اندیشمندان متقدم و روش مسلمین در این باره، اشاره‌ای گذرا می‌رود.

مفهوم شناسی

باتوجه به اینکه مسأله اصلی پژوهش حاضر شناخت وجود جامعه است ابتدا به تعریف مفاهیم کلیدی بحث می‌پردازیم.

حقیقی

حقیقت یا حقیقی در مقابل اعتبار یا اعتباری قرار داشته و دارای کاربرد های متعددی است. یکی از آن ها که در این پژوهش به کار رفته، به معنی «وجود عینی»⁵ است.

جامعه

لفظ جامعه در لغت از ریشه جمع، به معنی گرد آوردن است و چون به صورت صیغه اسم فاعل به کار می‌رود⁶، به معنای گرد آورنده⁷، فراهم کننده، بر هم افزاینده و در بر گیرنده خواهد بود.⁸ این کلمه مرادف مجتمع در عربی جدید و Societe یا Society (از ریشه لاتین Societas) زبان های

5. محمد تقی مصباح یزدی، تعلیقه⁴ علی نهاییه الحکمه، الطبعه الاولى، قم: موسسه فی طریق الحق (درراه حق)، 1405 ه.ق.، ص 21.

6. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی، بی جا: بی نا، چاپ سلمان فارسی، 1363، ص 255.

7. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، چ 5، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر وابسته به سازمان تبلیغات، 1363، ص 670.

8. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، پیشین، ص 21.

انگلیسی و فرانسه است.⁹

این واژه در عرف به معنای «گروه» به خصوص «گروهی از انسان ها» به کار می رود؛ خواه گروهی که در یک روستا یا شهر یا کشور یا قاره زندگی می کنند یا گروهی از مردم که دارای یک دین و مذهبند؛ (مثلاً جامعه مسیحیان) و یا گروهی که شغل واحدی دارند (مثل جامعه روحانیان) و یا همه انسان های روی زمین (مثل جامعه بشری).¹⁰

در اصطلاح جامعه شناسی، معنای جامعه نه چنان گسترده است که همه انسان ها را در بر گیرد و نه چنان محدود است که گروه اندکی را شامل شود. این معنای متوسط، معین و معلوم نیست.¹¹ از این رو بیان معنی جامعه در جامعه شناسی با ابهاماتی مواجه است. زیرا برای آن تعریفی که مورد قبول اکثر جامعه شناسان باشد ارایه نشده، چه رسد به تعریف حقیقی.¹²

جامعه شناسان خود بدین مطلب معترفند. به عنوان نمونه باتومور در این باره می گوید:

«هنوز مشکل دیگری وجود دارد که باید با آن رو به رو شویم، ... چگونه باید جامعه را تعریف کنیم؟ آیا یونان یک جامعه بود، یا شهر، دولتها فی نفسه جوامع متمایزی بودند؟ آیا هندوستان تا این اواخر جامعه واحدی بود، یا مجموعه ای بود از جوامعی که یک سنت فرهنگی و به خصوص مذهبی، بین آن ها نوعی وحدت ایجاد می کرد؟ در بسیاری موارد تعیین مرزهای یک جامعه کار دشواری است».¹³

ساروخانی نیز معتقد است جامعه هنوز به تعریفی مورد اتفاق دست نیافته است. به هر حال چند نمونه از

تعاریف بیان می گردد:¹⁴

9. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین.

10. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 21.

11. همان.

12. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 256.

13. تی. بی. باتومور، جامعه شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسین حسینی کلجاهی، چ 2 تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، 1356، ص 124.

14. باقر ساروخانی، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، ج 2، چ 3، تهران: کیهان، 1380، ص 806.

- تعریف کلر:

کلر، جامعه را عبارت از گروهی از افراد بر می‌شمرد که با یک دیگر زندگی تعاون آمیزی دارند تا از طریق آن تأمین معاش نموده نوع خود را تداوم بخشند.¹⁵

- تعریف گینسبرگ:

گینسبرگ، جامعه را مجموعی از افراد می‌داند که با یک دیگر بر اساس روابط یا شیوه‌های خاص رفتاری که آنان را از دیگران (آنان که دارای چنین روابطی نیستند یا رفتاری مشابه ندارند) متمایز می‌سازد، وحدت یافته‌اند.¹⁶

- تعریف لینتن:

لینتن، جامعه را شامل گروهی از افراد که با یک دیگر در جریان طولانی زندگی کار می‌کنند، می‌داند؛ هم چنین به نظر وی جامعه دارای سازمان است و افراد آن نیز خود را متعلق بدان می‌دانند.¹⁷

- تعریف کنت:

کنت معتقد است جامعه از تمام افراد زنده و مردگانی که با تاثیر خود در ذهن آیندگان به حیات خویش ادامه می‌دهند، تشکیل گردیده است.¹⁸

- تعریف دورکیم:

دورکیم جامعه را موجود زنده و دارای حیات خاص و وجدانی ویژه می‌داند که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد.¹⁹

بیان انواع و تقسیم بندی متنوع تعاریف جامعه و علل و عوامل و مبانی متفاوت تعاریف در این مجال

15. همان.

16. همان.

17. همان، ص 807.

18. منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق، مبانی جامعه شناسی، چ 12، تهران: خردمند، 1377، ص 50. و آذر قلی زاده، مبانی جامعه شناسی،

چ 1، کاشان: انتشارات محتشم کاشان، 1384، ص 1.

19. آذر قلی زاده، پیشین، ص 2.

نمی‌گنجد. مسلم است که دیدگاه هستی‌شناسانه صاحب نظر پیرامون جامعه و اصالت یا عدم اصالت آن، در تعریف او مؤثر است. به عنوان نمونه می‌توان دورکیم را نام برد. دورکیم، چنانکه خواهد آمد اصالت جمعی است، این امر در تعریف وی هویدا است.

به هر روی به نظر می‌رسد تعریف زیر مورد قبول اکثر جامعه‌شناسان باشد. البته این تعریف به جهت رعایت مشترکات تعاریف مختلف، بسیار کلی و ناقص است:

«جامعه مجموعه‌ای بزرگ و خود بسنده از افراد انسان است که روابط گوناگون مشترک

و متقابل نسبتاً پایداری آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد».²⁰

با معنای لغوی و اصطلاحی جامعه آشنا شدیم و دانستیم که اتفاقی در معنی آن نیست. از آن جا که در این پژوهش به تشریح دیدگاه‌های فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان پیرامون هستی جامعه می‌پردازیم، بایسته است با تعریف جامعه در نزد هر کدام از آن‌ها آشنا شویم:

- تعریف علامه طباطبایی

علامه برای جامعه تعریف خاصی ارایه نکرده اند، لیکن به نظر می‌رسد معنای رایج و عمومی آن، یعنی ساکنان شهرها، کشورها و سرزمینهای مختلف که دارای فرهنگ، اندیشه، آداب و رسوم معینی هستند مرادشان می‌باشد. این معنا از بعضی نگاشته‌های ایشان قابل برداشت است. از جمله چنین عباراتی: «داوری نسبت به جوامع متمدن»²¹ «نمی‌توانیم بگوئیم... جوامع غربی از شرقی‌ها بهترند».²² «...اگر جامعه غرب را یک شخصیت می‌گرفتند...»²³.

- تعریف شهید مطهری

ایشان در کتاب جامعه و تاریخ، معتقدند مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین

20. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 269.

21. سیدمحمد حسین طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الاولى، بیروت، لبنان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1417 هـ، 1997م، صص 96-97. و ترجمه تفسیر میزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، ج 4، چ 19، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1383، ص 148 به بعد.

22. همان.

23. همان، ص 109، ترجمه ص 168.

خاصی به یک دیگر پیوند خورده‌اند و دسته جمعی زندگی می‌کنند، یک جامعه را تشکیل می‌دهند. به نظر ایشان زندگی دسته جمعی به این معنا نیست که گروهی از انسان‌ها در کنار یک دیگر و در یک منطقه زیست کنند؛ زیرا درختان یک باغ و آهوان گله نیز چنین‌اند، ولی جامعه را تشکیل نمی‌دهند. زندگی انسان ماهیت اجتماعی دارد یعنی از طرفی نیازها، بهره‌ها، کارها و فعالیت‌ها جز با تقسیم ضمن نظامات و قوانینی میسر نیست و از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها و ایده‌ها و خلق و خوی‌ها بر عموم حکومت می‌کند که بدان‌ها وحدت می‌بخشد.²⁴

- تعریف استاد مصباح

ایشان خود جامعه را تعریف نکرده‌اند بلکه به نقل تعاریف جامعه شناسان و بررسی و تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند. به بیان ایشان، تعریف واحدی که مورد اجماع جامعه شناسان باشد، وجود ندارد، لیکن بیشتر جامعه شناسان ضابطه حکومت واحد و استقلال سیاسی را برای وحدت و تشخیص یک جامعه معتبر دانسته‌اند. ایشان نیز با آن که نسبت به لزوم این قید نگاه منفی دارند، امادر عین حال با فرض قبول این ضابطه، از وحدت اعتباری مجموع انسان‌ها و وجود اعتباری جامعه سخن می‌گویند.²⁵

شهید صدر ظاهراً تعریف خاصی از جامعه بیان نکرده‌اند و آیت الله جوادی، معنای جامعه در قرآن را بیان کرده‌اند که در قسمت قرآن و جامعه اشاره می‌رود.

حقیقت جامعه

مجموعه‌ای از انسان‌ها به نام جوامع، بی تردید وجود دارد؛ اما چگونه با گرد آمدن افرادی، یک جامعه محقق می‌شود؟ کشف این مطلب مهم است که افراد جامعه در چه چیز یا چیزهایی مشترکند که اولاً جامعه محسوب می‌شوند، نه صرف گرد هم آمدن. ثانیاً یک جامعه‌اند نه چند جامعه؟ به دیگر سخن ملاک وحدت یک جامعه و تمایز آن از جوامع دیگر چیست؟²⁶ نبود تعریف واحد، جامع و مانع و روشن برای جامعه، به این مشکل دامن می‌زند.²⁷ بدین سان تحقیقات جامعه شناسان در این باره معیار مشخصی به دست نمی‌دهد و

24. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، بی‌جا، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، صص 11-12.

25. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 25 و 29.

26. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 271.

27. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 22.

سؤالات ذیل بی پاسخ مشخص باقی است:²⁸

ملاک وحدت یک جامعه و امتیاز جوامع به چیست؟ آیا معیار واحدی وجود دارد یا چند معیار؟ آیا معیار مکان، زمان، آداب و رسوم، دین، حکومت، قوانین، اندیشه و آرمان و ... واحد است یا برخی از این‌ها یا همه آن‌ها؟ اگر معیار ترکیبی از همه یا بعضی از این‌هاست، آیا همه این‌ها به طور مساوی ترکیب می‌شوند یا برخی بیشتر و مهم‌ترند؟ اینان کدامند؟²⁹

در این زمینه سؤال فراوان و پاسخ‌ها متنوع است. به عنوان مثال برخی بر جدایی مکانی تکیه کرده و برآنند که برای تحقق یک جامعه، زندگی گروهی از انسان‌ها باید در محدوده سرزمینی با مرزهای جغرافیایی طبیعی باشد. برخی دیگر بر نژاد و رنگ یا زبان و ... تأکید کرده‌اند اما غالباً هیچ یک از این امور را تنها شرط تحقق جامعه نمی‌دانند بلکه قبل از هر چیز بر تقسیم کار و توزیع فراورده آن پا می‌فشارند. این ملاک گرچه از جنبه نظری بی اشکال است؛ اما از لحاظ عملی بدون استقلال سیاسی، امکان پذیر نیست. از این رو است که بیشتر جامعه‌شناسان برای تعیین حدود یک جامعه، ضابطه حکومت واحد را پذیرفته‌اند.³⁰

در این پژوهش در پی شناخت هستی جامعه هستیم. با توجه به این که فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان بیشتر از دیگران به این بحث پرداخته‌اند. لذا، حجم گسترده‌ای از این تحقیق به بیان آرای آنان اختصاص دارد. آنان نیز به مباحث قرآنی در این زمینه اشاره کرده‌اند. از این رو بایسته است ببینیم آیا در قرآن لفظ جامعه یا مجتمع کار رفته است یا نه؟ اگر پاسخ منفی است، قرآن برای رساندن این معنا از چه لفظ یا الفاظی استناد کرده است؟ هم چنین بدانیم قرآن ملاک وحدت جامعه یا امتیاز جوامع را به چه می‌داند؟ و این وحدت را حقیقی یا اعتباری می‌داند؟

قرآن و جامعه

هیچ یک از دو کلمه عربی «جامعه» و «مجتمع» که اولی در زبان فارسی امروزی و دومی، در عربی جدید متداول است. در قرآن کریم به کار نرفته است.³¹ ولی به نظر آیت الله جوادی، از بررسی مجموع واژه‌هایی که

28. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین.

29. همان، صص 271 - 272.

30. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، صص 23 - 24.

31. همان، ص 84.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

در قرآن معنی جامعه را افاده می کند، می توان تعریف زیر را به دست داد: «گروهی از افراد که با هدف مشترک، ملاک و معیار معین و سنت خاص به پیروی از فردی در مکان خاص گرد هم آمده باشند.»³² در نگاه استاد مصباح این کتاب شریف برای رساندن معنای جامعه از کلمات دیگری استفاده کرده است که به ترتیب کثرت استعمال عبارتند از:

قوم (383 بار)، ناس (240 بار)، امت (64 بار)، قریه (56 بار)، اناس (5 بار)

1. قوم

این واژه دوباره در سوره حجرات به معنی گروهی از مردان (نه زنان) آمده است. در سایر موارد به معنی گروهی از انسان ها به کار رفته است که به اعتبار یک ملاک از قبیل خون، نسب، نژاد و خویشاوندی تبعیت از یک شخص، تحت حکومت یک پادشاه یا مخاطب پیامبری بودن، واحد قلمداد شده‌اند.³³

2. ناس

این واژه در قرآن با ال استعمال شده و به چند معنا آمده است:

الف. همه انسان ها در طول تاریخ (گذشته، حال و آینده)؛

ب. همه انسان هایی که در یک مقطع زمانی زندگی می کنند؛

ج. گروهی از انسان های هم زمان که جهت مشترکی دارند؛

د. کسانی که مخاطب یک گوینده‌اند.³⁴

3. امت

این کلمه در این بحث مهم‌تر از سایر کلمات است و فیلسوفان مسلمان جمع گرایی که به آیاتی از آن استناد کرده‌اند، جامعه را مرادف امت در قرآن تلقی کرده‌اند.

32. عبد الله جوادی آملی، جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی،

چ 1، قم: مرکز نشر اسراء، 1387، ص 39.

33. همان، صص 84 - 85.

34. همان، ص 85.

این واژه در قرآن دست کم به پنج معنا به کار رفته است:³⁵

الف. زمان یا مقداری از زمان؛

ب. پیشوا، رهبر و سرمشق؛

ج. راه، روش، کیش، آئین یا مجموعه پیامبران گذشته؛

د. گروهی از جانداران و حیوانات؛³⁶

هـ. گروهی از انسان ها

در قرآن کلمه «امت» بیشتر به معنای اخیر استفاده شده است؛ که محل بحث ما نیز هست. شک نیست برای امت یا گروه محسوب شدن تعدادی انسان، حداقل یک جهت اشتراک و وحدت ولو اعتباری لازم است. در قرآن این جهت وحدت، حقیقی نیست³⁷ و هر چیزی می تواند باشد؛ مانند مکان، زمان، فرمان برداری از یک شخص، آیین و ...³⁸

به آیه زیر بنگرید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُ»³⁹

[و چون (موسی) به آب مدین بر سر آن، گروهی از مردم را دید که (به گوسفندان خود) آب می دادند].

در این آیه مردمی که صرفاً برای آب دادن به گوسفندان خود، کنار آب اجتماع کرده بودند امت خوانده شده اند. چنین مردمی لزومی ندارد در یک ده یا شهر زندگی کنند از حکومت واحدی فرمان برند، تقسیم کار و اشتراک منافع داشته باشند، پیرو یک دین باشند و⁴⁰

در حالی که گذشت حداقل یک یا چند مورد از اینها برای تلقی جامعه ضروری است. بنا بر این نمی توان مدعی شد امت حتی آن جا که به معنی گروهی از انسان ها به کار رفته، مرادف جامعه است؛ چه رسد

35. همان، صص 85 – 87.

36. عبدالله جوادی آملی، پیشین، ص 317.

37. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 88.

38. همان، ص 87.

39. سوره قصص، آیه 23.

40. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 88.

به دیگر کاربردهایش.

4. قریه

قریه در اصل به معنای «جایگاه زیست مردمان» است با توجه به این معنای اصلی و کاربردهای آن در قرآن گفته شده قریه به معنی جامع در زبان فارسی امروز و مجتمع در عربی جدید و مدینه در آثار فلاسفه اجتماعی مسلمان گذشته است. بدین معنا قریه، گروهی از انسان هاست که در سرزمینی ساکنند و حکومتی واحد دارند. بنا بر این سه مفهوم ملت، دولت (به معنایی که در فارسی کنونی استفاده می شود) و سرزمین، زیر پوشش آن قرار می گیرند.⁴¹

به نظر برخی، بررسی موارد استعمال این لفظ در قرآن نشان می دهد که قرآن برای قریه دانستن گروهی از انسان ها، یک جهت وحدت اعتباری را کافی دانسته و اتحاد حقیقی را لازم نمی داند.⁴²

5. اناس

این واژه نیز در قرآن به معنای گروهی از انسان ها به کار رفته است. در مواردی⁴³ هر یک از قبیله های دوازده گانه فرزندان یعقوب، و نیز خاندان حضرت لوط⁴⁴، اناس محسوب شده اند.⁴⁵ این پنج کلمه حداقل در مواردی می توانند معادل جامعه استعمال شوند. برخی معتقدند از بررسی کاربردهای قرآنی این واژه ها به دست می آید که آن چه در موارد استعمالشان ملحوظ بوده، تنها معنای لغوی بوده است. صرف این که بتوان در میان تعدادی از انسان ها جهت وحدتی اعتبار کرد، برای قوم یا امت یا ... دانستن آن ها کافی است. از این رو می توان گروه معینی از مردم را به یک لحاظ یک امت یا گروه و به دیگر لحاظ، چند امت یا گروه دانست، به دیگر سخن امت امری عینی و خارجی نیست.⁴⁶ برخی از دیگر فیلسوفان مخالف این نظرنند. بررسی دقیق این مساله نیازمند مباحث فلسفی است که

41. همان، صص 88 – 89.

42. همان، ص 90.

43. سوره بقره، آیه 60، سوره اعراف، آیه 160.

44. سوره اعراف، آیه 82، سوره نحل، آیه 56.

45. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 90.

46. همان، ص 90.

خواهد آمد، اما قبل از آن باید با معانی اصطلاحات فلسفی بحث آشنا شد.

پاسخ دقیق به ملاک وحدت یک جامعه و تمایز جوامع، نیازمند مباحث فلسفی پیرامون اصیل یا غیر

اصیل بودن وجود و حقیقی یا اعتباری بودن وحدت جامعه و ترکیب آن، یعنی هستی شناسی جامعه می باشد.

وحدت

وحدت در لغت به معنی یکی بودن و یگانه بودن⁴⁷ است و در فلسفه دارای اقسام مختلف می باشد. ذکر

همه اقسام وحدت در این مجال نمی گنجد. از این رو به دو نکته اشاره می رود:

نخست این که وحدت گاهی به مفاهیم و ماهیات نسبت داده می شود و گاهی به وجود؛ خلط و آمیختن

این دو وحدت سبب اشتباهات و مغالطات فراوانی شده است.

1. وحدت مفهومی⁴⁸ که فقط مفاهیم و ماهیات بدان متصف می شوند؛ به دو قسم وحدت نوعی و وحدت

جنسی تقسیم می گردد. وحدت نوعی به هر ماهیت تام (= «نوع») نسبت داده می شود و وحدت جنسی، وحدتی

است که به جهت ذاتی مشترک میان چند ماهیت مرکب نسبت داده می شود. هر چند این دو قسم از وحدت

فقط به مفاهیم ماهوی نسبت داده می شود اما این گونه نیست که هر وحدت مفهومی، مختص به مفاهیم ماهوی

باشد؛ بلکه هر یک از دو مفهومی که با یک دیگر مابیند گر چه از مقولات ثانیه (فلسفی یا منطقی) باشند، به

وحدت و کثرت متصف می شوند.⁴⁹

2. وحدت وجودی یا شخصی یا عددی، آن است که در موجود دارای ماهیت، بر هر فردی از ماهیت

حامل می شود. آن وحدت ذاتاً صفت وجود فرد است و بالعرض به ماهیت منسوب می شود؛ بنابراین هر یک از

موجودات خارجی دارای وحدت عددی است.⁵⁰

وحدت ماهوی ذاتاً صفت نوع و جنس است و بالعرض بر افراد یک نوع و انواع یک جنس حمل می شود

47. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج 2، پیشین ص 1943.

48. در اینجا مفهوم، معادل ماهیت به کاررفته است. مفهوم، کاربرد های دیگری نیز دارد که مقابل ماهیت است. آیت الله جوادی، در بحث جامعه،

ماهیت یا مفهوم، مفهوم را به معنی اخیر، به کار برده اند.

49. همان، ص 31.

50. همان، ص 31.

و وحدت وجودی بر عکس، ذاتاً صفت وجود فرد است و بالعرض به ماهیت آن نسبت داده می شود.⁵¹

طبق یک قاعده فلسفی، وجود با وحدت وجودی مساوق است؛ اگر در موردی وجود حقیقی اثبات شود وحدت حقیقی هم ثابت گشته است و اگر وحدت حقیقی نفی گردد وجود حقیقی نیز نفی شده است.⁵²

مساله دیگر این که آیت الله جوادی تقسیم دیگری از وحدت در حکمت متعالیه بیان می کنند. آشنایی با این تقسیم در فهم نظر آیت الله جوادی پیرامون وجود جامعه، ضروری است از این رو بدان اشاره می رود.

وحدت در حکمت متعالیه دو قسم است. نوع اول مساوق وجود است و اصلاً مقابلی ندارد زیرا مقابلش عدم است. به نظر می رسد که این همان وحدت وجودی مطرح شده در بالاست.

نوع دوم از وحدت، قسمی از اقسام وجود است. این نوع وحدت مقابل کثرت است و کثرت عدم نیست بلکه گونه دیگری از وجود است؛ زیرا موجود یا واحد است یا کثیر. عدد نمونه این نوع وحدت است. معنی عدد صد وجود یگانه صد است، نه وجودهای صد گانه واحدها.

بر این اساس وحدت مساوق وجود، غیر وحدت مندرج تحت قسم وجود است. به نظر آیت الله جوادی، جامعه می تواند مانند عدد صد، وحدت نوع دوم را دارا باشد.⁵³

اتحاد

اتحاد در لغت به معنی یکی شدن و یگانگی کردن⁵⁴ به کار می رود. در فلسفه وقتی از اتحاد دو شیء الف و ب سخن به میان می آید، مراد این نیست که الف، ب شده است یا ب، الف گشته است. هم چنین مراد این نیست که یکی از بین رفته و دیگری باقی مانده است و یا هر دو از میان رفته و شیء دیگری پدیدار گشته است. معنای اتحاد این است که دو شیء در عین آن که هر دو به حال خود موجودند، وجه اشتراک و وحدتی بیابند البته نه این که از همان حیث کثرتشان، وحدت یابند که این تناقض است. پس باید در هر موردی که به دو چیز اتحاد نسبت داده می شود یک جهت وحدت و یک جهت کثرت لحاظ شود.⁵⁵ در فلسفه اتحاد دارای اقسام و

51. همان، ص 32.

52. همان، ص 37.

53. عبد الله جوادی آملی، پیشین، ص 328.

54. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج 1، پیشین، صص 78-79.

55. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 33.

درجاتی است که در این مقال، مجال طرح آن نیست.

ترکیب

ترکیب از لحاظ لغوی به معنی بر هم نشانیدن، سوار کردن، به هم پیوسته کردن، مخلوط و آمیخته کردن است.⁵⁶

در اصطلاح، ترکیب دو یا چند چیز، به معنی نوعی اتحاد و وحدت است؛⁵⁷ به نحوی که کل واحدی را بسازند و هر یک اجزاء آن کل محسوب شوند.⁵⁸ ترکیب به دو قسم حقیقی و اعتباری تقسیم می شود:

ترکیب حقیقی

در این نوع ترکیب دو یا چند چیز که وجودهای حقیقی جداگان‌های داشته‌اند، کنار هم قرار می گیرند.⁵⁹ آن گاه اتحاد و وحدتی حقیقی⁶⁰ یافته و موجود حقیقی واحد دیگری در طول آن‌ها پدیدار می شود که بر اجزاء سایه می افکند و منشأ آثاری غیر مجموع آثار اجزاء می شود. این امر امکان ندارد مگر این که آن دو یا چند چیز، حالت ماده‌ای بیابند که از نو صورتی بر آن‌ها افزوده می شود. از همین رو، صورت جدید را جهت وحدت هر مرکب حقیقی می دانند.⁶¹

ترکیب اعتباری

اگر دو یا چند چیز با هم جمع شوند ولی از ترکیب آن‌ها فقط یک مجموعه پدید آید، نه یک موجود جدید، ترکیب غیر حقیقی خواهد بود.⁶² بر این اساس در ترکیب اعتباری، اجزاء مرکب، آثار جداگانه خود را دارند و آثاری که از مرکب نشأت می یابد، جز جمع جبری آثار یکایک اجزاء نیست؛ چرا که از اجتماع آن‌ها

56. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، پیشین، ص 566.

57. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر جامعه شناسی اسلامی، پیشین، ص 272.

58. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 34.

59. همان، ص 35.

60. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 272.

61. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 35.

62. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 273.

صورت و فعلیت جدیدی تحقق نیافته و وحدتشان حقیقی نیست.⁶³

شایسته توجه است، همه ترکیب‌های صناعی مانند میز، صندلی و ...، ترکیباتی اعتباری‌اند؛ چون در واقع خودشان وحدتی ندارند و ما برای آن‌ها وحدت اعتبار می‌کنیم.⁶⁴

بی‌شک جامعه موجودی مرکب است؛ حال مرکبی حقیقی یا اعتباری و صناعی؟ پاسخ‌ها به این سؤال متفاوتند. در آینده به بیان و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت. اگر جامعه را مرکب حقیقی بدانیم یعنی آن را اصیل دانسته‌ایم. پس شایسته است با معنای اصالت آشنا شویم.

اصالت

اصالت «مقابل فرعیت»⁶⁵، مشترک لفظی است؛ لذا نخست باید معانی آن را تفکیک نمود تا از خطا و اشتباه مصون بمانیم.⁶⁶ کلمه اصالت لاقبل به سه معنا به کار می‌رود: اصالت حقوقی، اصالت اجتماعی و اصالت فلسفی.⁶⁷

اصالت حقوقی

اصالت به معنای حقوقی یعنی ترجیح و تقدم حقوق و مصالح. اصالت به این مفهوم بیشتر در مباحث فلسفه نظام‌های اجتماعی و مطالعه تطبیقی مکاتب اجتماعی به ویژه مکاتب حقوقی به کار می‌رود⁶⁸ و منظور آن است که آیا اولویت باید از آن حقوق و مصالح جامعه باشد یا فرد.⁶⁹ سخن گفتن در باب اصالت به این معنا، بحثی تشریحی و حقوقی است نه تکوینی. از این رو محل بحث نیست.⁷⁰

63. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 36.

64. همان، ص 36.

65. محمد تقی مصباح یزدی، تعلیقه علی نهایه الحکمه، پیشین، ص 22.

66. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، پیشین، ص 40.

67. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین ص 278.

68. همان، ص 318.

69. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، صص 40 - 41.

70. همان، ص 41.

اصالت اجتماعی

اصالت به مفهوم اجتماعی⁷¹ یا روان شناختی به معنی غلبه تأثیر و نفوذ است.⁷² اصالت به این مفهوم در تحقیقات علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا رنگ هستی شناسانه ندارد و از قلمرو فلسفه خارج است.⁷³ مراد از اصالت جامعه در این معنا این است که فرد انسانی، به شدت تحت تأثیر و نفوذ عمیق و همه جانبه واقع می‌شود.⁷⁴

اصالت فلسفی

اصالت به مفهوم فلسفی به معنای داشتن وجود حقیقی در برابر وجود غیر حقیقی است.⁷⁵ وقتی سخن از اصالت فرد یا جامعه به مفهوم فلسفی به میان می‌آید، مراد این است که آیا فرد وجود حقیقی عینی دارد و جامعه وجود اعتباری، یا جامعه وجود حقیقی دارد و فرد وجود تبعی، یا هر دو وجود حقیقی دارند. اصالت به این معنا، مقصود اصلی ما در این پژوهش است.

با تعریف مفاهیم کلیدی موضوع پژوهش آشنا شدیم. اکنون، نوبت آن رسیده است که بحث از مسأله اصلی پژوهش را در میان اندیشمندان گذشته، ردیابی کنیم.

71. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 289.

72. محمد تقی مصباح یزدی، همان، ص 43.

73. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 289.

74. محمد تقی مصباح یزدی، همان، ص 43.

75. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 278.

پیشینه مسأله

درآمد

چنان که گذشت مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که: آیا جامعه وجودی غیر از وجود افراد دارد یا جمع آنان است؟ به نظر می‌رسد در میان غربیان اول کسی که به طور صریح و مشخص و با شرح و تبیین بدین موضوع پرداخته، امیل دورکیم و در میان مسلمانان، علامه طباطبایی است؛ با تفاوت در روش. بدین معنا که امیل دورکیم در صدد اثبات تجربی آن و علامه در پی اثبات عقلی فلسفی، با شواهد نقلی و قرآنی بوده‌اند. این تفاوت روشی در میان همه متفکران غربی و اسلامی، به ویژه در قرون اخیر وجود دارد.

در قرون گذشته آیا، بحث حاضر مطرح نبوده است؟ به نظر می‌رسد، این مسأله از دیرباز مورد توجه اندیشمندان، به خصوص متفکران اسلامی بوده؛ ولی بحثی جدی، آشکار و مستدل نبوده است. به دیگر سخن می‌توان رد پایی از بحث اصالت فرد یا جامعه را در علمای سلف یافت. در این که چه کسی اول بار به این بحث پرداخته، یا چه نظری داشته و آیا صریح سخن گفته یا از لوازم آن، اختلاف نظر است و نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت. چنان که خواهد آمد یکی از علل این اختلاف، خلط میان اول شخص جمع گرا با اولین باحث است. علت دیگر اختلاف، در لوازم وجود حقیقی جامعه و کشف جمع گرایی از این لوازم می باشد. با این امر در ضمن بیان پیشینه موضوع در میان مسلمین و غربیان بیشتر آشنا خواهیم شد.

در اسلام

میان عالمان اسلامی چه کسی اول بار، درباره وجود اصیل جامعه یا عدم آن بحث کرده است؟ پاسخ‌ها گوناگونند. برخی عبدالرحمن بن خلدون تونسلی، اندیشمند سده هشتم هجری را اول کسی می‌دانند که برای جامعه شخصیت و واقعیت قایل شده است.⁷⁶ بعضی دیگر معتقدند خواجه نصیرالدین طوسی در سده هفت هجری، اول کسی است که به صراحت از اصالت جامعه به مفهوم فلسفی آن سخن گفته است.⁷⁷ و برخی دیگر برآنند که چند قرن قبل از ابن خلدون و خواجه نصیر، ابونصر فارابی این موضوع را تعقیب کرده است.⁷⁸

76. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، ص 28.

77. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، ج 1، قم: سمت، 1378، ص 150.

78. عبد الله جوادی آملی، پیشین، ص 287 و مصطفی خلیلی، «اصالت فرد یا جامعه؟ چالش فلاسفه»، معرفت، ش 126، (سال هفتم، ش 3)

1387، ص 112.

به نظر می‌رسد که تفاوت ظاهری این نظرات ناشی از اختلاف پیرامون اول جمع گرا با اولین باحث است. آنان که ابن خلدون یا خواجه نصیر را، اول شخص مطرح کرده‌اند، مرادشان اول قایل به عینیت و اصالت جامعه است؛ و آن‌ها که ابونصر فارابی را اول شخص می‌دانند، در صدد بیان نخستین کسی هستند که پیرامون اصالت فرد یا جامعه سخن گفته است، نه این که مدعی وجود عینی جامعه باشد. بدین سان بدین نتیجه می‌رسیم که در گذشته نیز تا حدودی دو گرایش جمع گرا و فردگرا وجود داشته است، هر چند به طور جازم و مشخص نمی‌توان هر یک از حکمای گذشته را در دسته‌های معینی قرار داد؛ از این رو اکنون به دیدگاه صاحب نظران با لحاظ ترتیب تاریخی (تقدم زمانی) اشاره می‌رود:

فارابی

گفته شده است که از نظر فارابی جامعه وجودی مستقل از افراد نداشته و چیزی جز مجموعه افراد انسانی نیست. وحدت بخش این افراد، اهدافی است که به صورت مشترک برای نیل به آن تلاش می‌کنند و تعاون دارند؛ اهدافی که دستیابی به آن‌ها برای هر یک از اعضای جامعه به تنهایی میسر نیست. بر این اساس جامعه نه وجودی عینی دارد و جبر و ضرورت و نه قانون مندی خاصی، فراتر از قوانین حاکم بر روابط افراد.⁷⁹

نقد

مهمترین اثر فارابی پیرامون جامعه، کتاب «آراء اهل المدینة الفاضلة» است. نگارنده با جست و جو در آن سخنی پیرامون وجود جامعه نیافت. گوینده سخن فوق هم ادعای خود را به هیچ منبعی مستند نکرده است. به نظر می‌رسد که مدعای فوق از آن رو مطرح شده است که فارابی از قوانین خاص جامعه سخن نگفته است؛ زیرا خواهیم گفت که به نظر برخی مانند شهید مطهری، میان قانون حقیقی جامعه و وجود اصیل آن، تلازم است. بعضی دیگر چون استاد مصباح این تلازم را منکرند.

به هر حال فارابی پیرامون وجود عینی جامعه یا عدم آن سخنی نگفته است. آن چه وی مطرح کرده، مدنی بالطبع بودن انسان و احتیاجش به زیست اجتماعی است. وی این نیاز را تا حدی می‌داند که دستیابی به کمال و حالات برتر انسانی، بدون آن میسر نیست.

به عبارات زیر بنگرید:

– «انسان از جمله جانورانی است که به طور مطلق نه به حوایج اولیه و ضروری زندگی

79. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، صص 37-38.

خود می‌رسد و نه به حالات برتر و افضل، مگر از راه زیست گروهی و اجتماع

گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و پیوستگی به یکدیگر».⁸⁰

- «هر یک از آدمیان بر سرشت طبیعی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی و هم در

نیل به برترین کمالات ممکن خود، محتاج ... اجتماع اجتماعات و تجمع گروه‌های

بسیار [است] که یاری دهنده یک دیگر باشند ...».⁸¹

پر واضح است این بیانات به هیچ روی نشانگر فردگرایی فارابی نیست.

خواجه نصیر الدین طوسی

گفته شده است خواجه نصیر الدین طوسی، اول فیلسوفی است که به صراحت از اصالت فلسفی جامعه

سخن گفته است.⁸² به نظر آن‌ها از بیانات خواجه به خوبی روشن است که تحویل موضوع علم مدنی به

موضوعات علوم دیگر را نمی‌پذیرد، چنان که به اعتباری بودن وجود و وحدت موضوع این علم رأی نمی‌دهد.

آنان معتقدند خواجه برای جامعه وجودی حقیقی قایل است که بر اثر زندگی اجتماعی پدید می‌آید و آثار ویژه

و قوانین به خصوصی دارد. قوانینی که در یک یک افراد، یا جمع اعتباری آن‌ها یافت می‌شود. پس جامعه

مرگبی حقیقی است و اصالت دارد.⁸³ آنان برای این منظور به سخن زیر از خواجه استناد می‌کنند.

«به حکم آن که هر مرگبی را حکمی و خاصیتی و هیأتی بود که بدان متخصص و منفرد

باشد و اجزاء او را با او در آن مشارکت نبود، اجتماع اشخاص انسانی را نیز از روی

تألف و ترکیب، حکمی و هیأتی و خاصیتی بود، به خلاف آن چه در هر شخصی از

اشخاص موجود بود».⁸⁴

آنان این سخن را به اضافه دیدگاه خواجه در باب مدنی بالطبع بودن انسان، نتیجه گرفته‌اند. در نگاه آن

ها، وی جامعه را مرگبی حقیقی می‌داند که از ترکیب ارگانیک اجزاء پدید آمده است و تقسیم کار از عوامل

80. ابونصر فارابی، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی، چ 2، تهران: کتابخانه طهوری، 1361، ص 136.

81. همان، ص 251.

82. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 150.

83. همان، ص 151.

84. محمد بن محمد طوسی، (خواجه نصیر الدین)، اخلاق ناصری، تنقیح و تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چ 4، تهران: انتشارات

خوارزمی، 1369، صص 279 - 280

وحدت و انسجام آن است.⁸⁵

نقد

به نظر می‌رسد که نتوان به سادگی گفت: خواجه معتقد به وجود عینی جامعه است و در این باره به صراحت بحث کرده است. او بحث صریح ندارد؛ زیرا از اصالت و عینیت و وحدت حقیقی سخن نگفته و لفظ ترکیب حقیقی را به کار نبرده است. پیرامون اصالت جمعی بودن وی نیز می‌توان تردید کرد. خواجه اذعان نموده که جامعه وجودی مرکب دارد و لذا احکام خاص دارد، اما از این سخن او نمی‌توان به راحتی استفاده کرد که معتقد است جامعه مرکب حقیقی است، بلکه جامعه می‌تواند مرکب اعتباری باشد و در عین حال احکام خاصی هم داشته باشد؛ اما این احکام نشأت گرفته از جمع اجزاء باشد نه پیدایش وجودی جدید.

در مورد مدنی بالطبع بودن نیز باید گفت در نظر خواجه انسان برای بقاء طبعاً نیازمند جامعه و زندگی اجتماعی است. پس او ابتدا وجود فرد انسانی را مفروض گرفته و چون بقای چنین موجودی منوط به اجتماع است، به وجود اجتماع قایل شده و یا او را محتاج طبعی به اجتماع می‌داند، نه این که برای جامعه اصالت قایل باشد.

خواجه پس از بیان این که هر اجتماع مرکب از افراد بشری، احکامی مخصوص دارد، به بیان این نکته می‌پردازد که چون افعال ارادی انسان دو قسم خیر و شر است، به این لحاظ اجتماعات هم دو قسمند: در یک قسم سبب اجتماع، خیرات است و در قسم دوم سبب اجتماع شرور است که اولی مدینه فاضله نام دارد و دومی غیر فاضله.⁸⁶

این که خواجه اجتماع را به لحاظ دو قسم بودن افعال انسانی، به دو قسم تقسیم می‌کند، می‌تواند حاکی از آن باشد که وجود مرکب اجتماع و احکام مترتب بر آن، استقلال نیست و نشأت گرفته از همان ویژگی‌های افراد است.

به هر حال نمی‌توان به صراحت گفت، خواجه اصالت فردی است، یا اصالت جمعی و یا هر دو.

85. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 151.

86. محمد بن محمد طوسی، (خواجه نصیر الدین)، پیشین، ص 279.

ابن خلدون

شهید مطهری می‌گویند، شاید از میان علمای اسلامی، ابن خلدون اولین فردی باشد که به صراحت از سنن و قوانین حاکم بر جامعه، مستقل از قوانین افراد در کتاب «مقدمه» خود بحث کرده است.⁸⁷ شهید مطهری میان سنن جامعه و وجود آن تلازم قایلند.⁸⁸ بدین سان از بحث از قوانین جامعه توسط ابن خلدون، اعتقاد او به واقعیت و شخصیت مستقل جامعه را نتیجه گرفته‌اند.⁸⁹

حال اگر مانند استاد مصباح میان قوانین جامعه و وجود حقیقی آن تلازمی ندانیم، نمی‌توانیم پیرامون نظر ابن خلدون در این باره با قطعیت سخنی بگوییم. نگاه‌های ابن خلدون نیز در این باره ساکتند. وی هیچ سخنی پیرامون وجود عینی جامعه به میان نیاورده است.

علم اجتماعی ابن خلدون که آن را علم جدید و «جداگانه»⁹⁰ ای می‌داند، عمران نام دارد.⁹¹ پیرامون آن گفته اند:

«عمران یک جوهر مستقل نیست، بلکه خاصیت یک جوهر دیگر است که همان انسان باشد.»⁹²

از این سخن هم نمی‌توان نظر ابن خلدون را به دست داد، اما شاید بتوان ادعای اصالت جمعی بودن او را زیر سؤال برد.

تا این جا هویدا گردید که نمی‌توان هیچ یک از فیلسوفان متقدم مسلمان را به صراحت اصالت جمعی یا فردی دانست، ولی تقریباً همه آنان به اختیار فرد معتقدند، و برای جامعه نیز قوانین و ویژگی‌هایی مطرح می‌کنند.

اکنون نوبت آن رسیده است که به بیان سابقه موضوع در میان غربیان بپردازیم.

87. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، پیشین، صص 27 - 28.

88. همان، صص 26 - 27.

89. ر.ک: همان، ص 28.

90. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج 2، چ 9، تهران و قم: انتشارات صدرا، 1372، ص 214.

91. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، پیشین، ص 181.

92. محسن مهدی، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ترجمه مجید مسعودی، چ 3، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1373، ص 225.

در غرب

در میان دانشمندان مغرب زمین تقریباً از قرن هفدهم این مساله تا حدودی به صراحت مطرح بوده است. آنان به این سوال دو گونه پاسخ داده‌اند: برخی جامعه گرا و اصالت جمعی‌اند و برخی دیگر فردگرا و اصالت فردی. در این جا بسیار گذرا به نمونه‌هایی از صاحب نظران هر دیدگاه اشاره می‌رود. شایان توجه است که:

1. در این قسمت در صدد بیان نظر جامعه شناسان نیستیم و در آینده به بیان دیدگاه آنان پرداخته خواهد شد.

2. بیشتر اندیشمندان اجتماعی به وجود جامعه قایل بوده‌اند تا بتوانند علم اجتماعی داشته باشند و به گمان آنان سخن از جامعه نیازمند قبول وجود حقیقی آن است.

جامعه گرایان

گرایش‌های جمع گرا، جامعه را واقعیتی عینی تلقی کرده و بر خصیصه جمعی پدیده‌های اجتماعی تأکید دارند. هگل و پیروانش از این دسته‌اند. در نظر هگل «جز کل هیچ امری مآلاً و تماماً حقیقی نیست»⁹³. جامعه انسانی واقعیتی روحانی و اساسی است و فرد وجود ندارد مگر به واسطه جامعه، درون جامعه و در خلال آن.⁹⁴ پرودون نیز معتقد است جامعه «موجود زنده‌ای است دارای هوش و فعالیت خاص و تابع قوانینی»⁹⁵. جامعه از نظر سن سیمون هم وجود حقیقی دارد که حاصل اتحاد آدمیان است و وظیفه‌اش نه تنها تسلط بر فرد بلکه غلبه بر جمعیت است.⁹⁶ اگوست کنت شاگرد سن سیمون⁹⁷ هم جامعه را شبیه یک موجود زنده می‌دانست. شباهت‌های جامعه و موجود زنده در نظر وی عبارتند از:

1. جامعه از اعضاء و مؤسسات مختلف تشکیل شده و همانند اورگان‌های موجود زنده، کل واحدی را

93. برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، کتاب سوم: فلسفه جدید، ترجمه نجف دریا بندری، ج 3، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، 1353، ص 419.

94. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، پیشین، ص 48.

95. هائری مندراس، ژرژ گوروچ، مبانی جامعه شناسی همراه با تاریخ مختصر جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، ج 3، تهران: امیرکبیر سیمیرغ، 1356، ص 20.

96. همان، ص 17.

97. محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص 49.

تشکیل می دهد.

2. نهادهای اجتماعی همانند اعضا و اندام موجود زنده، دارای ساخت و کارکرد خاص می باشد.
3. اجزاء جامعه همانند اعضاء موجود زنده با یک دیگر مرتبط بوده و در بقا و دوام ساخت اصلی خود مؤثرند.
4. جامعه مانند موجود زنده بر اساس قانون تکامل از مرحله ابتدایی و ساده، به کامل تر و پیچیده تر رسیده است.⁹⁸

کارل مارکس نیز ایده‌ای را بسط می داد که در آن جامعه در نفس خود وجود داشت.⁹⁹ البته به نظر او جامعه با کنش انسانی خلق می شود ولی چون قدرتی بیرونی¹⁰⁰ خود را بر افراد تحمیل می کند.¹⁰¹ شهید مطهری، منتسکیو را نیز نه تنها در زمره این دسته بلکه اولین دانشمند غربی دانسته اند که وحدتی میان پدیده‌های اجتماعی کشف کرده و از قوانین حاکم بر جامعه سخن گفته است.¹⁰² ریمون آرون، هدف منتسکیو را «معقول گردانیدن تاریخ»¹⁰³ دانسته است. این سخن جای تأمل دارد؛ زیرا:

نخست: ریمون آرون در همان جا منتسکیو را از جهتی (البته جهت روشی نه هستی شناختی) شبیه ماکس وبر بر شمرده است و خواهیم دانست که ماکس وبر از فرد گرایان است.

دوم: استناد شهید مطهری این است که منتسکیو از قوانین حاکم بر جامعه سخن گفته است و بدون قبول وجود حقیقی برای جامعه نمی توان از سنن آن سخن گفت. این ناشی از مبنای کلی ایشان پیرامون قبول تلازم میان وجود حقیقی و قوانین تکوینی است. اشاره خواهد شد که برخی چون استاد مصباح چنین تلازمی را منکرند.

به هر حال عبارات منتسکیو درباره شخصیت مستقل و حقیقی جامعه ساکت است و تنها در صورتی

98. حسین ادیبی، عبدالمعبود انصاری، نظریه‌های جامعه شناسی، ج 1، انتشارات جامعه، 1358، صص 43 - 44.

99. یان کرایب، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، ج 1، تهران: آگه، 1382، ص 82.

100. همان، ص 204.

101. همان، ص 86.

102. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، پیشین، ص 28.

103. ریمون آرون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، ج 5 (چ 2 از ویراست 2)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1381، ص 26.

می توان او را اصالت جمعی، به معنای فلسفی دانست که به تلازم میان قانون حقیقی و وجود مستقل، حکم کنیم و قوانین مطرح شده توسط منتسکیو را هم حقیقی بدانیم.

فردگرایان

گرایش‌های فردگرا بر خصیصه فردی پدیده‌های اجتماعی تکیه کرده و معتقدند فقط افراداند که می اندیشند و عمل می کنند.¹⁰⁴ آنان فرد را واقعی‌تر و بنیادی‌تر و مقدم بر جامعه و نهادها و ساختارهای آن تلقی می‌کنند. در نظر ایشان آن چه واقعیت دارد فرد است و جامعه جز جمع عددی اراده تک تک افراد نیست،¹⁰⁵ و وجودی واقعی و حقیقی سوای آنان ندارد.¹⁰⁶

گفته شده واژه فردگرایی در قرن 19 ابداع شد؛ و ظاهراً اولین بار آلکسی دو توکویل آن را در توصیف جامعه آمریکایی به کار برد.¹⁰⁷

جان استوارت میل، فیلسوف و اقتصاددان نامدار انگلیسی بزرگترین منادی فردگرایی می‌باشد. وی می‌گفت: «افراد انسانی هنگامی که گرد هم می‌آیند، به ماده تازه‌ای مبدل نمی‌گردند»¹⁰⁸ تا صورت جدیدی افزوده شده و چیز نوینی به نام جامعه پدید آید.¹⁰⁹

اگزستانسیالیست‌ها هم، در مقابل نظریه اصالت اجتماع ایستاده و اصالت فرد را احیا کرده‌اند.¹¹⁰ ایشان از جمله سارتر و پیروانش، بر اختیار و آزادی انسان و قدرت عصیان وی در مقابل جامعه و این که انسان خود ماهیت خویش را می‌سازد، نه جامعه و نه هیچ عامل دیگری، تاکید کرده‌اند.¹¹¹

104. محمد تقی مصباح یزدی، پیشین، ص 54.

105. عبد الرسول، بیات [و دیگران]، فرهنگ واژه‌ها، ج 1، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، 1381، صص 395-396.

106. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی، پیشین، ص 283.

107. عبد الرسول، بیات [و دیگران]، پیشین، ص 395.

108. ئی.اچ.کار، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، ج 3، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، 1356، ص 46.

109. محمد تقی مصباح یزدی، همان، ص 55.

110. مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ج 1، چ 2، قم و تهران: انتشارات صدرا، 1375، ص 167.

111. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 13، چ 2، قم و تهران: انتشارات صدرا، 1374، ص 142.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

نومینالیست‌ها¹¹² و لیبرالیست‌ها¹¹³ را نیز معتقد به فردگرایی می‌دانند. در آینده به جامعه شناسان و رویکردهای جامعه شناسی معتقد به این دیدگاه، آشنا خواهیم شد. قبل از آن، شناخت وجود جامعه را از طریق دیدگاه‌های فیلسوفان اجتماعی معاصر مسلمان که بحث مستدل، مشخص و روشن تری در این باره دارند، پی می‌گیریم.

112. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر جامعه شناسی اسلامی، پیشین، ص 284.

113. عبد الرسول بیات، پیشین، ص 458.